

و بهار امیدواران گل گل شگفته شاهد آرزوی دیرینه ارباب آز و نیاز  
 پیشگاه حصول را جلوه گاه ساخت - تقرب خان بمنصب چهار هزار  
 هزار سوار و قباد خان بمنصب دو هزار و پانصدی هزار سوار و عبد الله ولد  
 منصور حاجی بمنصب دو هزار و هشت صد سوار و خطاب مخلص  
 خان و جعفر ولد الله ربردی خان بمنصب هزار و پانصدی هشت صد  
 سوار و حسین علی خان برادرش بمنصب هزار و هفت صد سوار و فیض  
 الله خان بمنصب دو هزار و هشت صد سوار و ابراهیم خان ولد امیر الامرا  
 بمنصب دو هزار و شش صد سوار و میر گل بدخشی بمنصب هزار  
 پانصد سوار نوازش یافتند \*

هفتم جمادی الاولی بقصد مزید اعتبار امیر الامرا علی مردان  
 خان بمنزل او تشریف فرموده تمهید قواعد مباحات جاوید سلسله  
 او نمودند - آن خان بلند مکان پس از اقامت مراسم پا انداز و نثار  
 جواهر و مرصع آلات و اقمشه نفیسه و هرده اسپ و دیگر اشیا بزم  
 پیشکش بسمت شکرانه موسوم ساخته از نظر انور گزانیید - از جمله بنابر  
 مراعات خاطر او دو لک روپیه بشرف پذیرائی رسید - درین وقت بعرض  
 مقدس رسانیدند که ذوالفقار آقا ایماچی روم بنواحی دارالخلافه رسیده  
 امیدوار دریافت ملازمت اشرف است - چون پاس عزت رسول سلاطین  
 عظام شیمه کریمه این آستان ملایک آشیان است و مرمت خرابه قلوب  
 نورسیدگان هر دیار بآب و گل خلق و دلجوئی خانه سلطان السلاطین زمان  
 لجرم حسب الحکم اشرف لشکر خان بدخشی دوم و طاهر خان و قبادخان  
 و تربیت خان تا کنار شهر پذیره شده او را بدرگاه عالم پناه رسانیدند - او بعد  
 از ادای آداب کورنشای و تسلیمات بحال تواضع و تعظیم دعلی قیصر  
 برگزیده نامه با مرصع کمری و خنجر مرصع و دو اسپ رومی نژاد یکی

سمند با زین مرصع با دو عیال مروارید دوز و دیگر نیله کبود که قیصر بطریق ارمغان ارسال داشته بود و گزری مرصع بدستور آن ولایت از نظر اشرف گزانیده بعطای خلعت خاصه و کمر خنجر مرصع و سی هزار روپیه مفتخر و مباحی صورت و معنی گشت - و بمنزلی که بجهت اقامت او معین و با فواران آوانی سیمین و زرین و فروش ملون و دیگر اجناس که پیرایه آرایش ارباب دولت و مکفمت تواند شد زیفت یافته بود رخصت یافت - و چون روز دوم ساعت وزن شاهزاده بلند اقبال بود آن والا گهر را بانعام خلعت خاصه و جواهر و مرصع آلات ثمینه بقیمت یک لک روپیه و دو کروز دام انعام دیگر از پرگفت پنجاب و ملتان که از اصل و اضافه دوازده کروز دام باشد بطریق انعام مرحمت فرموده اسپ عراقی فتح لشکر نام با زین مطلقاً میفکار مرحمت فرمودند - و جعفر خان قدری جواهر و چهار فیل و ده اسپ ابلق بنگاله و ذوالفقار آقا سفیر قیصر نه اسپ عربی و برخی اشیدی دیگر از خود گزانیده - و مومی الیه بانعام خلعت و ارگجه با ظریف طلا و پاندان و خوانچه نوازش یافت - از روز وزن مبارک تا این تاریخ همگی ده لک روپیه پیشکش از شاهزاده و امرا شرف پذیرائی یافت \*

## کدخدائی سلطان سلیمان شکوه بادختر

### راو امر سنگه خواهرزاده راجه

#### جی سنگه

چون صبیحه راو امر سنگه که خواهرزاده جی سنگه است بجهت ثمره شجره دولت و اقبال سلطان سلیمان شکوه خواستگاری نموده پیش

ازین بدو ماه او را بحکم ساری سلطنت طلبیده بزبان فیض ترجمان کلمه  
 طیب تلقین فرموده مبلغ دو لک روپیه از جواهر و مرصع آلات و نقره  
 آلات و اقسام پارچه و دیگر آنچه لازم این امر است عطا فرموده بودند شب  
 بیست و ششم جمادی الثانی آن گرامی گوهر درج دولت و کامرانی  
 و آن نوباراً بوستان سلطنت و جهاندانی را بکمال زیب و زینت  
 و نهایت شان و شوکت همراه خود ببارگاه عظمت آوردند - و در آن  
 فرخنده شب سرتاسر روی زمین کفار دریای چون تا ساحت پلای  
 درشن برکت مسکن از منزل شاهزاده تا دولتخانه والا همه جا از فروغ  
 چراغان که بطرح نقاشانه روشن شده بود نمونه صحن وادی ایمن  
 و نور کدها طور گشت - و فضای هوا را از دریا گرفته تا چرخ اطلس  
 اخضر از گل افشان و انواع آتشبازی که بمتداً بازی در آمده بود فثره و ثریا  
 فرو گرفت - و صدای شادمانه شادی و نوای گورگه مبدل کبادی بارچ رسیده  
 صلابی خوشوقتی و شادکامی در داد و اسباب عیش و سامان نشاط بحسب  
 فرمان خدیو زمان از سرحد حساب بیرون و از قیاس و شمار افزون مهیا  
 و آماده گشته ابواب خرمی بر روی کوچک و بزرگ کشاد - اعلی حضرت آن  
 نور حدقه شهریار را بانعام خلعت و تسبیح لآلی گرانبها منظم به اهل و زمرد  
 و جیغه مرصع و جمدهر مرصع با پهلوانتازه و کمر مرصع و آلات دیگر و دو  
 اسپ عربی و عراقی با زین مرصع و فیل با ساز نقره که قیمت مجموع  
 یک لک و پنجاه هزار روپیه می شود مرحمت نموده سهره سروراید  
 گرانبها بدست مقدس برفق آن گرامی گوهر اکلیل والا گوهری بستند -  
 و بعد از انقضای یک پهر و سه گهری در ساعت مختار که از سایر نحوس  
 و نقایص بری بود قاضی خوشحال حسب الامر جلیل القدر بخواندن  
 خطبه قیام نموده دو لک روپیه کابین مقرره نموده و بر وفق آئین شرع مظهر

تقدیم مقدمات عقد و رعایت شرایط آن بجا آورده بانعام خلعت  
دو هزار روپیه سربلندی یافت \*

## آغاز سال بیست و هشتم جلوس مبارک

مَنْت و سپاس مرخدا یرا که سال بیست و هشتم جلوس والا روز  
مبارک یکشنبه غرة جمادی الثانی سنه هزار و شصت و چهار مطابق آخر  
فروردی ماه که انشاء الله تعالی تا قیام قیامت بنمکین و استقامت قرین و مقرون  
و از زوال و تزلزل محروس و مصدون باد بمبارکی شروع شده دلها را پیرایه  
انبساط و شگفتگی داد - درین تاریخ ذوالفقار آقا ایلچی روم بانعام سی هزار  
روپیه نقد و اسپ ترکی با ساز طلا از سرکار خاصه و انعام خلعت و جینغه  
مرصع و بیست هزار روپیه نقد و دو اسپ با زین نقره از سرکار شاه بلند اقبال  
و پنج هزار روپیه از شاهزاده سلیمان شکوه عز امتیاز یافته بکام دل رسید -  
و آخر همین روز بکورنش ملکه جهان مالکه دوران بادشاهزاده عالمیان  
یکم صاحب رفته بانعام پانزده هزار روپیه و خلعت فاخره از سرکار علیه نیز  
سرافراز گردید \*

یازدهم بالتماس شاه بلند اقبال بمنزل تازه نهال بوستان خلافت  
و کامکاری سلطان سلیمان شکوه تشریف برده بجهت سرافرازی آن کامکار  
نامدار جواهر و اتمشه نفیسه بقیامت یک لک روپیه که بعدوان پیشکش  
از نظر انور گزانیده بود قبول فرمودند - و بر طبق حکم مقدس بجمده  
الملکی سعد الله خان خلعت خاصه با چارقب و شمشیر مرصع و به جعفر  
خان و خلیل الله خان و اعتقاد خان و روپسنگه راتهور خلعت با فرخی  
و خنجیر مرصع و بقاسم خان و حیلت خان و طاهر خان و فاضل خان و قباد  
خان و سیرزا سلطان و بسیاری دیگر از بندها خلعت مرحمت نمودند -

و لشکر خان را بمنصب سه هزار و دویست سوار و ارادت خان بمنصب دو هزار و هشتاد و هشت سوار و خلعت و خدمت فوجدار می لکهنو از تغیر احمد بیگ خان و عطلی اسپ با زمین مطلق و علم و تربیت خان بمنصب دو هزار و هشتاد و هشت سوار و بیرو دیو سیسودیه بمنصب دو هزار و پانصدی هزار سوار و اسد الله ولد رشید خان انصاری را بمنصب هزار و پانصدی هزار سوار از اصل و اضافه سرافراز نمودند - چون ذوالفقار آقا ایلمچی مکرر بخانه جمده الملکی سعد الله خان رفت این مرتبه خان مذکور پانزده هزار روپیه بمومی الیه داد - حقیقت خان را که بذبح کبر سن از خدمت رفته بود معاف داشته میرک شیخ را از اصل و اضافه بمنصب دو هزار و صد سوار و خدمت دیوانی مالک گیهان از تغیر او سر بلند ساختند - سید نجابت واد سید شجاعت خان بمنصب هزار و صد سوار و میر ابو المعالی ولد میرزا والی بمنصب دو هزار و سوار تارک عزت بر افراختند • چون از عرضداشت غضنفر خان فوجدار سهاونپور بمسامع جاہ و جلال رسید که فیلی دندان دراز از کوه شمالی بدرگنه چوراسی آمده لاجرم بحکم ریخت بخش اورنگ خلافت قراران و فیلان با دیگر لوازم شکار فیل بدانجا شدتند بانفاق خان مذکور گرفته آوردند و بخاص شکار موسوم گردیده داخل فیلان حلقه خاصه شد - ذوالفقار آقا ایلمچی بانعام یک مهر چهار صد تولگی و روپیه هم وزن آن و محمد صالح مشرف توپخانه دوازدهم شعبان بخدمت دیوانی بیوتات از تغیر رای میکند داس که از ضعف قوی بخدمت نمی توانست پرداخت سر افرازی یافتند - میر جعفر نام از سادات حسنی استر آبادی که سابق نوکر محمد قلی قطب الملک بود و بعد از جدا شدن به پتله رفته از مدت چهارده سال بعنوان درویشی میگززانید جعفر خان همراه آورده از نظر اشرف گززانیده بود بمنصب هفت صدی

صد سوار و عنایت خلعت و جمدشر و شمشیر با پیراق طلا میثا کار  
و اسپ عراقی با زین نقره و پانصد مهر سر افراز فرموده داخل بندهای  
درگاه ساختند \*

شب پانزدهم شعبان بعطای مبلغ پانزده هزار روپیه محتاجان  
و مستحقان را خوشوقت ساخته بتمشای کشتی‌ها و چراغان ساحل دریا  
که از چوب و تخته مشبک بآئین غریب و طرز بدیع با برجها مرتب  
ساخته بودند و از فوط روشنی پرتو چراغان که در دل آن شب روکش  
روز شده بود و آتشبازی که بستاره ریزی در آمده بود پرداختند - و در ماه  
رمضان المبارک شصت هزار روپیه باصحاب احتیاج قسمت نموده  
هر شب باریاب کشک و گرهی از درویشان برخوان احسان و مواید نعم  
خاص صلامی اطعام عام در دادند - و به گرز داران و برقدازان و یسارلان  
هزار خلعت مرحمت فرمودند و بعضی را جیغۀ مرصع عنایت نمودند \*

غرة شوال بمسجد اکبر آبادی محل تشریف برده بادای دوگانه  
پرداختند و بنابر رسم معهود در رفتن و باز برگشتن زمین و زمان را نثار  
افشان و درم ریز نمودند - پنج هزار روپیه بابت نثار به ذوالفقار ایلچی روم  
مرحمت فرمودند - خدمت فوجداری میان دواب و اهتمام عمارات  
مخلص پور که مفصل بمحل خود گزارش خواهد یافت از تغیر غضنفر  
خان به محمد بیگ خان مرحمت نموده وقت رخصت بانعام خلعت  
و شمشیر با پیراق طلا میثا کار و منصب هزار و پانصدی هزار دوپست  
ساز از سابق و لاحق سرافراز فرمودند \*

چون در سال بیست و چهارم جلوس مبارک سلطان محمد خان  
فرمانروای روم بادمی ارسال سعیر و نامه گشته سید محی الدین نامی

را بدرگاه عالم پناه فرستاده بود بندگان حضرت سلیمان منزلت نیز بنابر  
 مراسم یگانگی و اتحاد و پاس مراسم محبت و وداد حاجی احمد  
 سعید را بعنوان سفارت فرستاده بودند و او از جانب خود ذوالفقار  
 آقا را با نامه و پیغام دوستی روانه سده سنیّه ساخته اظهار کمال خلعت  
 و یگانگی نمود - اعلیٰ حضرت حفظ مراتب موذت قدیم را در نظر  
 داشته قیم بیگ را که سابق کوتوال ادوی معلی بود بعفایت خلعت  
 و جیفه مرصع و جمدهر میفکار با پهلوانکزاره مرصع و سپر و شمشیر با یراق  
 میفکار و اضافه منصب و اسپ با این مطلقاً و یک لک روپیه عوض  
 جاگیر معزز و مکرم ساخته با نامه از منشآت جمده الملکی سعد الله خان  
 که نقل آن در اواخر این اوراق ثبت گشته و یک قبضه خنجر مرصع بالماس  
 و یاقوت با گل مرصع و علاقه مروارید و زمرد که در کارخانه بادشاهی بصرف  
 یک لک روپیه مهیا گشته بود و کمر مرصع بالماس و یاقوت که چهل هزار  
 روپیه قیمت داشت و یک حقه کلان بلور که نادره کاران همدوستان در  
 مدتی مدید ساخته بودند مملو از عطر جهانگیری و دو هزار پارچه از  
 نفایس گجرات و کشمیر و جز آن که قیمت آن دو لک روپیه می شد  
 بطریق هدیه دوستی فرستادند - و چون به سمع شریف رسیده بود که وبا در  
 استنبول شیوع تمام دارد و اعلیٰ حضرت بحسب سلیب نفع زهر مره را در  
 علاج این عارضه دریافته بودند و در رفع مواد سمی که ماده بهم رسیدن وبا  
 ست مکرر به تجربه رسیده جمعی کثیریکه ازین علت مشرف بر هلاک  
 گردیده بودند بعلاج مذکور رخت از گرداب مرگ بساحل نجات بردند  
 از غایت خیر سگالی یک قطعه زهر مهره کامل عیار بازبند ساخته بودند  
 به ذوالفقار آقا حواله فرمودند که به قیصر برساند - و سفیر مذکور را بانعام  
 خلعت فاخره و جیفه مرصع و شمشیر و سپر یراق طلا میفکار و اسپ ابلق



( ۱۹۲ )

راهوار با ساز طلا و سی هزار روپیه برنواخته رخصت معارفت دادند . • مجموع  
قیمت سوغات دو لک و پنجاه هزار روپیه و آنچه از ابتدای ملازمت تا روز  
رخصت باینچپی مذکور مرحمت شد دو لک و هفتاد و پنج هزار روپیه  
از آنجمله یک لک و هشتاد و پنج هزار روپیه از سرکار خاصه و نود هزار روپیه  
از بادشاهزادهای والا قدر و امرای نامدار - و محمد بدیع ولد خسرو  
بمنصب دو هزاری دو صد سوار و غیرت خان بمنصب چهار هزاری  
دو هزار سوار و خواجه عنایت الله بمنصب هزاری شش صد سوار از اصل  
و اضافه فرق مباحثات بر انراختند •

بیست و ششم شوال شیخ عبد الحمید بادشاهنامه نویس رخت  
هستی بر بست - یک زنجیر فیل که در خوشخوئی و تناسب اعضا  
سر آمد فیلان عادلخان بود و خان مذکور او را با یک اسپ عراقی با ساز  
طلا بحضور پرنور فرستاده بود منظور نظر فیض اثر گشته بقیمت شصت  
هزار روپیه داخل حلقه فیلان شد و فرمان عنایت عنوان با خلعت  
خاصه و کمر مرصع بقیمت سی هزار روپیه بخان مذکور مصحوب خواجه  
خان نبیره صفدر خان صورت ارسال یافت •

چون بعرض مقدس رسید که بیذوایان و محتاجان که به معظه بسبب  
قحط غلا بعسرت میگزافند یک لک روپیه متاع برعرب که در آنجا با منافع  
در لک روپیه باشد و گلیم محراب دار بشکل جانماز که در کارخانه ملتان  
موافق مسجد مدینه سکینه تیار شده بود مصحوب خواجه ضابط فرستاده  
حکم فرمودند که ثلث بشریف مکه و ثلث بصالحا و فضلی آن مکان  
ذیف و ثلث باقی بسکنه مدینه سکینه برساند - خدمت بخشی گرمی  
احدیان بقاضی عارف کشمیری مقرر شد - مهابت خان به قبول خود گوالیار  
میرخس گردید •







( ۱۹۳ )

## متوجه شدن اعلیٰ حضرت بصوب اجمیر

چون خاطر قدسی متأثر بادشاه معارف پناه از کمال ربط بمبدأ همواره خواهان زیارت بزرگان دین خصوص زیارت روضه منوره و حظیرة مقدسه واسطه العقد اولیای عظام مرشد سانگان راه حقیقت انتظام سلطان العارفين تاج الواصلین حضرت خواجه معین الحق و الدین زیاده از اندازه است و مدتی برآمده بود که فوز یاب فیض زیارت مزار مفیض الانوار آن قبله احرار نگشته بودند لاجرم فاضل خان را از اصل و اضافه بمفصب دو هزار و پانصدی شش صد سوار و حکومت دار الخلافه و قلعداری آنجا مقرر نموده بیست و نهم ذی حجه ۱۰۰۰ و کب مسعود بفرخندگی تمام متوجه آن سمت شد - و روز جمعه بیست و پنجم ذی حجه داخل دولتخانه که بر سر بند تالاب آنا ساگر است و فرزند کده ایست از آنجا داخل شده آخر روز بروضه منوره آن قطب الخائفین تشریف فرمودند و بذات پیروبی طریقت ابایی کرام از دروازه روضه منوره پیاده شده آداب زیارت بتقدیم رسانیدند - و از فیض آن مقام اکتساب انواع فیوضات آسمانی و اقسام برکات جاودانی نموده باعطای صلوات و نذر که وظیفه زیارت امثال این بقاع خیر است ادای حق مقام نمودند - و باز بیست و هفتم از غایت اعتقاد بزیارت مرقد فیض آثار آنحضرت والا مرتبت رسیده بعد از خواندن فاتحه معنوت بدولت خانه نمودند - و نهم محرم الحرام باز بدان مکان سعادت نشان نشریف فرموده در مسجد سنگ مرمر اساس نهاده خود نماز عصر ادا نموده مراجعت بدولت خانه عالی نمودند - درین روز بحکم والا قریب صد و چهل من بوزن شاهجهانی از گوشت نیل گاو شکار خانه و روغن و مصالح در دیگ کلان که وقف روضه منوره است انداختند و طعام پخته عالی عام در دادند \*



روز چهارشنبه چهاردهم محرم الحرام سنه یک هزار و شصت و پنج  
 عنان یکران عزیزمت را بصوب با صواب دار الخلافه انعطاف داده در دولت  
 خانه که در کوهی اجمیر برپا شده بود نزول اجال از زانی فرمودند -  
 چون در وقت تشریف آوردن اجمیر بمسامع حقایق مجامع رسید که با آنکه  
 از زمان حضرت عرش آشیانی و حضرت جنت مکانی مرمت شکست  
 و ریخت قلعه چنور منع بود درینفلا رانا جگت سنگه جرأت باین معنی نموده  
 و قول آنحضرت گوش فداشته - بابدال بیگ حکم شد که دیده بیاید -  
 مومی اینه آمده بعرض رسانید که دروازه هفتگانه جانب غرب را که از پایان  
 قلعه مرتبه مرتبه ساخته شده بمروز ایام از هم پاشیده و جا بجا ریخته بود  
 چندی را در نهایت متانت از سر نو بر افراخته و بمرمت بعضی پرداخته -  
 و در برخی محال که از آنجا بر آمدن صعوبت فداشت دیواری متین که  
 نظر به بلندی و پستی کوه از هشت تا شانزده ذراع بعرض سه و نیم ذراع  
 اساس افکنده و برجی در کمال استحکام بقطر شصت و پنج و ارتفاع سی  
 بنا نموده - لاجرم حکم شد که عالمی سعد الله خان با سی هزار سوار جرار  
 بدانجا شتافته قلعه را منهدم سازد و اگر احیاناً او از خواب غفلت به بیداری  
 و از مستی بیدوشی بهشیاری نگراییده تن باطاعت در نهد به نهب  
 و غارت مملکت او پرداخته بود از نهاد و دمار از روزگار او بر آورد \*

غره ذی حجه خواجه برخوردار به قلعه داری اوسه از تغیر اوزبک خان  
 و بمنصب دو هزار سوار و میر صمصام الدوله نیرا میر جمال الدین  
 حسین انجو از جانب شاهزاده والا تبار محمد شاه شجاع بهادر بحر است  
 صوبه اودیسه بمنصب هزار و پانصدی پانصد سوار سربلندی یافتند - چون رانا  
 بعد از تعیین لشکر ظفر اثر از وفور بخوف و هراس از سر تملق و فروتنی و روی  
 محرز وزاری پیامهای وقت آمیز مصحوب و کلامی معتد خود داده بشفاعت

بادشاهزاده بلند اقبال. ابواب ضراعت و اظهار اطاعت کشور حکم معلی  
 بشرف نغاز پیوست که اگر او پسر صاحب تیگه خود را بدارگاه گیتی پناه  
 روانه ساخته بآئین پیش هزار سوار از مالزمانش بسرداری یکی از اقارب او همه  
 وقت در دکن حاضر باشند عفو زلات و صفیه جنایات او نموده آید. و الا  
 لشکر ظفر اثر در سر زمین او تاخته و خانمها همه با چپوتیه با سوخته و خواب  
 ساخته تا بخاک سیاه برابر نکند بر نکند. زانا در جواب معروضداشت که  
 قلعه چطور چه تمام مملکت بنده تعلق بمالزمان سرکار خواهد دارد که شیخ  
 عبد الکریم دیوان سرکار عالی بجهت استقامت و سرافرازی بنده تعیین  
 شود پسر خود را همراه او روانه می سازد و هزار سوار را بدستور سابق دکن  
 می فرستد. فرمان عالی شان بنام جمده الملکی سعد الله خان شرف  
 صدور یافت که چون زانا در مقام اقامت مراسم بزدگی و لوازم فریفتی  
 و سرافکندگی شده از کرده پشیمانست و کسان فرستاده التماس عهد نامه  
 و در خواست امان نموده و ایستادهای پایه سریر سلیمانی نیز متوقعات او را  
 مبدول داشته از جرم او در گذشته اند باید که آن ارادت کیش دست از  
 بازداشتنه و اکتفا بتخریب قلعه نموده مراجعت بدرین جهان مدار نماید.  
 لهذا خان مذکور حسب الصدور فرمان گیتی مطاع عالم مطیع نیست  
 و پنجم ذی حجه بظاهر چطور رسیده مطابق حکم اقدس بتخریب قلعه  
 و انداختن در و دیوار آن مکان پرداخته و در عرض چهارده روز برج و باره آنرا  
 بخاک سیاه برابر ساخته متوجه درگاه عالم پناه گردید. زانا عرضداشتی  
 متضمن عجز و اطاعت با پسر کلان خود که در سن شش سالگی بود  
 و جمعی از نوکران عمده خود و چندی از اقربا مصحوب شیخ عبد الکریم  
 و چندر بهان منشی و دیوان بیوتات مهین بادشاهزاده که پیش ازین  
 حسب التماس او دستوری یافته بود روانه درگاه آسمان گداندید \*

حاجی احمد سعید که همراه ذوالفقار آقا ایلمچی قیصر روم روانه درگاه معلی شده بود در راه بذابره عبور بر بعضی مداین متعلقه والی ایران از ذوالفقار ایلمچی جدا شده برای مصر بمدینه منوره و از آنجا به مکه معظمه و از مکه به مکه و از مکه بسورت آمده بود خود را باستان عرش نشان رسانید - و راجه جی سنگه که همراه سعد الله خان تعیین شده تا ورود موکب همایون در وطن توقف گزیده بود پنج فیل و پنج اسب بطریق پیشکش گزانید و بمرحمت خلعت و اسب عراقی با ساز طلا نوازش یافته روانه لشکر ظفر شد \*

سلیم ذی حجه امیر الامرا علی سردان خان از کشمیر با پسران آمده سعادت ملازمت اشرف دریافت - چون مرزبان سری نگر بذابره استظهار جبال شامخه جبین سالی آستان سلاطین پناه نشده ازین دولت محروم بود خلیل الله خان را با هشت هزار سوار تعیین فرمودند که او را تنبیه بلیغ نموده بر سر راه آرد - بیست و یکم محرم در نزدیکی مالپور شیخ عبد الکریم با پسر رانا ادراک و فوز سعادت ملازمت نموده ناصیه بخت باسلام عتبه اقبال نورانی ساخت - بادشاه بنده نواز آن پسر خورد سال را بعظای خلعت و سر پیچ مرصع و طره مرصع سروراید و اوربسی مرصع نوازش فرموده نزدیک پامی تخت طلبیدند - چون تا حال پدرش برای او نام مقبره فرموده بود از غایت بنده نوازی به سبهاگ سنگه نامور گردانیدند و راز را مچند فکر عمده رانا با بعنایت خلعت و اسب با زین نقره و هفت کس دیگر را بمرحمت خلعت معزز ساختند - بیست و دوم سعد الله خان با لشکر ظفر اثر آمده فیض اندوز ملازمت اشرف گشت - بیست و ششم رانا بمرحمت خلعت و اسب عربی با زین طلا و فیل سراقواز گشته خدمت وطن گشت - و فرمان عالیشان بنام رانا جگت سنگه مشتمل

بر روانه ساختن پسر خورده بدکن با هزار سوار و خلعت خاصه و بازو بند  
مرصع مصحوب سکت سنگه عز و رود یافت \*

غره صفر در هندون نونها بوسدان خلافت شاهزاده سلطان محمد  
نخستین خلف بادشاهزاده والا قدر محمد اردنگ زیب بهادر از دکن برای گهاتی  
چاندا بدرگاه آسمان جاه رسید و با امر عالی جعفر خان و اعتقاد خان تا دایره  
آن عالی جاه رفته بحضور پرنور آورده بدریافت سعادت ملازمت لازم البرکت  
رسانیدند - آن والا گهر بعد تلثیم سده عرش رتبه پیشکش پدر بزرگوار برخی  
مرصع آلات و سه فیل با یراق نقره و دو ماده فیل بقیمت سه لک روپیه  
و یک زنجیر فیل با ساز نقره بابت پیشکش خود گزانیده بعطای خلعت  
و تضعیف یومیه مقرر که از اصل و اضافه دو صد روپیه باشد و انعام اسپ  
با ساز طلا سر بلند گردید - شایسته خان نیز همراه سلطان مذکور بسجده درگاه  
والا رسیده قامت عزت بعزیت خلعت بر افراخت - هفتم صفر دولت خانه  
باری از نزول اشرف پدرايه آب و رنگ پانته دهم برای روپباس متوجه  
دار الخلافه گردیدند - میرزا خان فبیره خانخانان بخدمت فوجداری ایلیچپور  
از انتقال اسد الله انصاری و از اصل و اضافه بمنصب سه هزاره سوار  
و سجانسنگه بزدیله بعد از فوت پدرش راجه بهار سنگه بمرحمت خلعت  
و خطاب راجگی و اسپ و منصب دوهزاره سوار دو اسپه سه اسپه  
راس المال مزید اعتبار اندوختند - و بعد از فراغ سیر و شکار روپباس چهاردهم  
ساحت فتح پور را فیض تازه بخشیده بروضه فدیه السالکین زبده العارفین شیع  
سلیم چشتی تشریف برده بغاتعه روح پرفتوحش را خورسند ساختند -  
شانزدهم باغ نور منزل از تشریف شریف غیرت بخش روض ارم شد -  
هفدهم دولت خانه مستقر الخلافت اکبر آباد از بمن نزول موکب اقبال  
مرکز محیط دولت و سعادت گردید - چون شاهزاده بلند اقبال مسجد سنگ

مرمر که در قلعه بنا ساخته بودند ندیده بود بآن بیدار بخت و علی مردان خان نخست آنجا تشریف فرموده از راه زینة شاه برج بجانب دریا متوجه گشتند - و کشتی سوار بروضه مذوره نواب مهد علیا تشریف برده بعد از ادای فاتحه بمنزل شاهزاده بلند اقبال معاودت فرمودند - و در آن عشرت کده نعمت خاصه تناول فرموده آخر روز از آنجا بفرخی روانه شده بهادر پور را معسکر اقبال ساختند \*

نوزدهم از گنات سامی سلطان محمد خلف بادشاهزاده محمد اورنگ زیب بهادر را بعقیدت خلعت خاصه و پنجاه هزار روپیه نقد سو افراز ساخته بخصت برهانیپور نمودند - و مصحوب سلطان محمد دآن سوید منصور بختیار خلعت خاصه و یک لک روپیه نقد از خزانه برهانیپور مرحمت گردید - میر جعفر همدشیره زاده خلیفه سلطان که از سادات محله گلزار صفاهان بشرافت حسب و نسب مشهور است و بمصاهرت شاه عباس و وزارت ایران عزامینا یافته محسود امثال و اقوان بود دولت ملازمت دریافته منصب هزار و پانصدی هزار و پانصد سوار و خلعت و ده هزار روپیه نقد سو مایه افتخار اندوخت - نوزدهم از منزل خواجه خضر کشتی سوار داخل دولت خانه دار الخلافه شاهجهان آباد شده ساحت آن مکان فیض نشان را از تابش ماهچه لوامی اقبال مطرح اشعه انوار ظل الهی فرمودند - درین آمد و رفت هژده شید نور هفتاد فیله گاو و یک صد و پنجاه آهو و شصت کلنگ و دیگر فراوان طیور شکار خاصه شد \*

## جشن وزن شمسی

الحمد لله و الامت که سه شنبه دهم ربیع الاول آغاز سال شصت و پنجم هجری مطابق بیست و نه سی محفل وزن جشن شمسی شروع سال

شصت و چهارم از سزین عمر ابد قهرین انتظام بخش سلسله نظام روزگار زینت  
 تازه و رونق بی اندازه یافته دل‌های عالمیان را در پیرایه عشرت گرفت و بهار  
 آرزوی امیدواران بآب و رنگ خرمی گل گل شگفته ملال از صفایح خاطرها  
 بالکل منحو گشت - چون وجود این مظهر موعود بعالم شهود عطیة کبری  
 آسمانی و لطیفه عظمی یزدانی است و زوی زمین بزبور عدل و احسانش  
 رونق تازه یافته عالمی در فسحت آباد فراخ خاطر شاد مسکن گزین است  
 بشکر این عنایت خاص حضرت پروردگار که اهل این روزگار بدینافت عهد  
 سعادت مهش اختصاص یافته اند و نتیجه برکات آن تا بقای نیل و نهار  
 بروزگار جهانیان عاید خواهد شد تر زبن گشته بنوای نغمه حمد و سپاس  
 خم درین و طاس سیمین سپهر برین را پر طنین ساختند - و دست دعا  
 بدرگاه الهی برداشته مزید عمر و دولت آنحضرت مظهر عنایت جمال  
 و جلال مسألت نمودند \*

آهی بود تا زمین و زمان      مربع نشین باد این سه نشان  
 اساسش چو بنیاد عدل استوار      بقایش چو بقی ابد بایدار  
 جفاکش چنان باد ابد دستگاه      که در دفتر مدت عمر شاه  
 بدانگونه مدت عمده شود      که یک مد آن طول سرمد شود

بفرغ افزای گوهر خلافت بادشاهزاده بلند اقبال جواهر و مرصع آلات یک  
 لک روپیه مرحمت نمودند و مبلغ چهل هزار روپیه را نثار به فقرا و مساکین  
 قسمت فرمودند از جمله پیشکش مالکة دوران بیگم صاحب یک دانه  
 مروارید بوزن سی و یک سرخ بقیمت چهل هزار روپیه داخل تسبیح  
 خامه گردید - و از جمله در اک روپیه پیشکش شایسته خان که جواهر  
 و مرصع آلات و در فیل بود یک دانه مروارید کلان سوزنی بوزن چهل  
 و شش سرخ بقیمت مذکور منظور نظر فیض اثر گشته در سر پیچ والا که

خراج دریا و کان به قیمت آن وفا نمی کند منتظم گشت - جعفر خان بمنصب پنج هزاره پنج هزار سوار و نامدار خان بمنصب دو هزاره ششصد سوار و ملا شفیعا بمنصب دو هزاره چهار صد سوار و اسفندیار ولد همت خان کوکه بمنصب هزاره سوار و روح الله ولد یوسف خان بمنصب هزاره چهار صد سوار باصل و اضافه سر افزای یافتند \*

مقارن این جشن دلفریب انجمن رنگین و بزم نو آئین وزن آغاز سال شصت و ششم قمری از زندگانی ابد طراز خدیو بکر نوال در شاه محل به بخشگی و میمنت زینت ترتیب یافته مراسم داد و دهش و آئین آرایش و پیرایش دولت خانه و همه چیز بدستور هر سال به تقدیم رسانیدند - جشنی بهشت آئین و بزمی نو آئین بتزئین بادشاهانه آئین یافته از نثار و نقود جواهر که هم وزن اقدس آمده باریاب استحقاق قسمت یافته بود سرمایه بی نیازی عموم نیازمندان نوع انسان تا مدت مدید آماده گردید - درین روز طرب افروز که مواد عیش و نشاط و اسباب عشرت و انبساط آماده بود و ابواب خرمی و جمعیت بروی روزگار کشاده سلطان السلاطین روی زمین دست نشان تائیدات رب العالمین نخستین گوهر سحاب خلافت کبری نو باره سلطنت عظمی بادشاهزاده سعادت پزوه محمد دارالشکوه را نخست بعنایت خلعت با نادرگی اطلس زرنگار که در گلپای آن قرصهای مرصع العلس گران بها در نهایت پاکیزگی و خوشنمائی دوخته بودند و زه گریبان و دور آستین و دامانش به درهای شاهوار مطرز بوده دو لک و پنجاه هزار روپیه قیمت داشت و سربندی از یک قطعه لعل بدخشان نژاد و دو دانه مروارید گران بها به قیمت یک لک و هفتاد هزار روپیه که مجموع چهار لک و بیست هزار روپیه باشد و سه لک روپیه نقد سربند گردانیده بوالا خطاب مستطاب شاه



بلند اقبال و این نوع عنایت نمایان و لطف بی پایان که جز حضرت جنت مکانی نسبت باعلوی حضرت هیچ بادشاهی درین سلسله علیه به فرزند شایسته خود نذموده سرافراز صورت و معنی ساختند - و از رفور عاطفت و از کمال رافت بر سندلی طلا که جهت جلوس آن ترقی یافته رفعت ازلی متصل اورنگ خلافت گذاشته بودند و جلوس بر آن معراج ترقی بخت بلندان و اوج رفعت سعادت‌مندان است و بالاترین منصب و رفیع ترین مراتب برگزیده‌های این دودمان والا شان حکم نشستن فرموده از صعود درجات جاه و جلال کوکب اقبال آن فیروزی بازوی خلافت را بندروا ارتفاع رسافیدند - و از روی کمال عنایت سرشار و رعایت جانب آن اقبال‌مند بختیار بزبان مبارک ادای تهنیت و مبارکباد نموده فرمان نمودند که امرای والا مقدار عالی قدر بعد تقدیم مراسم تسلیمات و مبارکباد بمنزل آن کامگار والا تبار رفته آداب تهنیت بجا آرند - آنگاه شاهزاده سلیمان شکوه باضافه دو هزار سوار بمنصب دوازده هزار سوار هفت هزار سوار و شایسته خان بمرحمت خلعت خامه و اسپ با زین زرین و صوبه‌داری مالوه کامگار گردیدند - قاسم خان میر آتش بمنصب چهار هزار سوار و پانصد سوار و لشکر خان بمنصب سه هزار سوار و پانصد سوار و میرزا سلطان بمنصب سه هزار سوار و فاضل خان بمنصب سه هزار سوار و شش صد سوار و علابت خان بمنصب دو هزار سوار و پانصد سوار و نقاره و تربیت خان بمنصب دوهزار سوار و هر کدام از سید نجابت و ناظر خان بمنصب هزار سوار و پانصد سوار از اصل و اضافه و دیگر بندهای بسیار بفرزنی منصب فوازش یافتند - امیر الامرا بعنایت خلعت خامه و دو اسپ عراقی با زین مطلقاً معزز گشته رخصت کشمیر یافتند - نورالحسن بخدمت تهبان‌داری کوچ و محمد صالح دیوان بیوتات بخدمت دیوانی شاه

بلند اقبال از تغیر شیخ عبد الکریم که بسبب کبر سن از عهده خدمت مذکور نمی توانست بر آمد بعنایت خلعت و خطاب معتمد خان و منصب هزاره دو صد سوار و قلمدان طلا و مبر جعفر استرآبادی بخدمت دیوانی بیوتات و اضافه منصب سر افزای یافتند - و شیخ عبد الکریم بعطای پنج لک روپیه از تهنید سر بکام دل رسید \*

بیست و پنجم منزل مهین اختر برج خلافت را بفروغ قدوم میمنت لزوم نورانی ساختند - آن جناب بشکر عنایت والی خطاب شاهی و دیگر مراحم حضرت خلافت پناهی جواهر ثمینه و مرصع آلات و اقمشه نفیسه و دوازده اسب عربی و عراقی با ساز طلا میز کار مجموع بقیمت در لک روپیه گزانیدند - بحکم اشرف خلعت با چار قب بمهاجره جسونت سنگه و به جعفر خان و مهابت خان و اله ویردی خان و تقرب خان و خلعت با فرجی بغاضل خان خانسامان و اشکر خان بخششی دوم و سید هدایت الله صدر و به پنجاه نفر دیگر از امرای والا قدر خلعت فقط در خور پایه و مقدار مرحمت فرمودند - راو اکهیدراج مرزبان سرهه که برهنمونئی بخت اراده تلثیم آستانه عرش مرتبه نموده بدرگاه آسمان جاه آمده بود درین محفل از یمن دریافت دولت زمین بوس بر کام خاطر فیروز گشته یک زنجیر نیل و برخی اشیا بعنوان پیشکش گزانیدند و بعنایت خلعت و سر پیچ مرصع و اسب بازمین نقره نوازش یافت - و آخر روز بعد از تناول نمودن نعمت خاصه بدولت خانه تشریف آوردند \*

اله ویردی خان که بسبب فرستادن غلام رضا نرد والی ایران بتغیر منصب تادیب یافته بود و دو سال و هشت ماه از دولت حضور حرمان نصیب بود بعد از رسیدن غلام رضا بظهور پیوست که غلام رضا خطی اباسی

از جانب خود درست کرده بنام خان مذکور با برخی ازمغنی بقاراقاسی  
 گزراينده رقمی از والي ايران حاصل نموده بود حسب الائتماس شاه بلذد  
 اقبال بمنصب پنج هزاري چار هزار سوار و جاگيرداري چونپور از تغيير مكرمت  
 خان و عطای خلعت و اسب عراقی باساز طلا و فيل تارك افتخار برافراخته  
 بسركار مذکور دستوري يافت - او اگرچه دو سال و هشتت مائة از دولت  
 آستان بوس محروم بوده برسم انزوا گزرايند اما از شمول بنده پوزي هفتاد  
 يك دام بطريق مدد خرج ساليانه داشت و در هر روز مبرك هزار اشرفی  
 مي يافت چنانچه تا هنگام ملازمت والي بعطای پنج هزار اشرفی سرافراز  
 گشته بود - غيرت خان بنامه پانصد سوار بمنصب چهار هزاري دو هزار  
 و پانصد سوار و ذوالفقار خان بنامه پانصدی ذات بمنصب سه هزاري دو  
 هزار سوار سر بلذد گردیدند - سيد علي ولد سيد جلال بخاری بخطاب بنوی  
 خان و بعطای خلعت خاصه و بافرونی پانصدی صد سوار بمنصب دو هزار  
 و پانصدی پانصد سوار و خدمت بخشى گری و واقعه نوبسي صوبه  
 احمد آباد از تغیر درستكاه و اهيلي آذسوده امتياز يافت - و داروغگی كذبخانه  
 از تغیر او باعاماد خان و اسد خان بخدمت عرض وقایع صوبجات نوازش  
 یافتند - و درستكاه بخدمت ديواني بادشاهزاده مراد بخشش و رای سبها چند  
 ديوان صوبه پنجاب بفوجداري دامن چكله سيدلكوت نیز از تغیر گذگده  
 ولد راجه تودمل سرافراز گشتند - بديست و سوم قاسم خان بدار السلطنت  
 لاهور دستوري يافت كه هر چهار توپ كلان را بطول چهار گز و چارده طسوكه  
 درين ايام در كارخانه دار السلطنت ريخته شده و گولگ هر کدام يك من  
 شاهجهانی است روانه كابل نمايد - درين سال پيشکش بادشاهزادهای  
 بخمت بيدار و امرای نامدار قریب پانزده اك روپيه به بدبرائی

## آغاز سال بیست و نهم جلوس مبارک

درین آون مسعود مؤدأ وصول آغاز سال بیست و نهم از جلوس اورنگ نشین اقبال روز جمعه ۱۰ غرة جمادی الثانی سال هزار و شصت و پنج هجری مطابق بیستم فروردی ماه بهجت افزای همگان گردید ا - چون ساعت دزن شاه بلند اقبال بود آن والا مقدار خلعت خاصه و شمشیر مرصع و دیگر مرصع آلات که قیمت همه یک اک روپیه بود و فیل بدھگر نام سر آمد فیلان خاصه با یواق طلا و صاده فیل عنایت شد - و حیات خان بعطای نقارہ و نامدار خان بعنایت علم سو افراز شدند \*

چون بمساعح حقایق مجامع رسید که مصاص الدوله حایس صوبه اردیسه رخت هستی بر بست هفدهم حسب الالتماس بادشاهزاده محمد شجاع بهادر رشید خان ولد افتخار خان را بخدمت صیانت صوبه مسطور از قبل آن والا تجار سو افراز گردانیدند - بهرام بوزار خورد جعفر خان بافرونی پانصدی صد سوار بمقصب هزار و پانصدی ششصد سوار بر افراخت - هژدهم بیوم دیو سیسودیه که دخترش بمهراجہ جسوزت سنگه نامزد شده بود بعطای ده هزار روپیه نوازش یافت - پرنهی

---

۱ در نسخه حیدرآباد تمهید دیگر داین الفاظ مرقوم است - " درین خجسته آغاز فرخنده انجام که از بمن توجه بادشاه سکندر حشمت سلیمان جاہ گیتی دانشین تر از ریاض رضوانست و از کثرت جمعیت و وفور روح و راحت دلہای عالمیان شادان و لبہای زمانیان خندانست سال فرخ فال بیست و نهم از جلوس مبارک روز جمعه ۱۰ غرة جمادی الثانی سال هزار و شصت و پنج شروع شده مسرت بر مسرت افزود - و از فیض سعاب مکرمت و احسان خدبو زمین و زمان جهان نورانی گشته دامن امید عالمیان بجواهر مقصود برآورد - درین روز مسرت افزوز چون الخ "

چند مرزبان چنجه بمرحمت جمدهر با ساز موصع و اسب مبهی گشته بوطن مرخص گردید - سیوم رجب مهراجه جسونت سنگه را دستوری دادند که به منتهرا رفته بعد از کتخدائی با دختر بیوم دیو به جودهپور بیود - چهارم اکهیراج مرزبان سروهی بعزایت خلعت و فیل بلند پایگی یافته بوطن مرخص گردید - چون بهادر خان بدار الملک کابل با لشکر تعینات صوبه مذکور در بنون و نغر رفته افغانه آن سرزمین را مالش بسزا داده یک لک روپیه بطریق پیشکش بر آنها مقرر نموده بود و تحصیل وجه پیشکش بعهدا احمد خان پسر محمد خان فیاضی تیولدار هر دو بنگش نمود و این مقدمه چاردهم بعرض رسید از آنجا که صوبه کابل بشاه بلند اقبال متعلق بود مبلغ مذکور بآن بخت بیدار عزایت شد \*

بیست و نهم بهکوان داس که سابقاً دیوان خان اعظم بود و پس از سپری شدن او در سلک بندگان درگاه منساک گشته بخدمت دیوانی صوبه سالوه و اضانه منصب مبهی گردید - در طی سوانه سال گذشته رفم پذیر خامه وقایع نگار گشته که خلیل الله خان بمالش مرزبان سوی نگر و گرفتار دون دستوری یافته بود بیست و ششم صفر بافواج قاهره برة نوردهی در آمد و زمیندار سرسور بقاید طائع آمده به لشکر ظفر اثر ملحق گشت - چون این معنی بمسامع جاا و جلال رسید زمیندار مذکور بعطای خلعت و مدور فرمان عاطفت عنوان متضمن به خطاب راجه سویمانگ پرکش سر بلندی یافت - سرسور کوهی است شمالی سمت اکبر آباد که درازی آن سی کروه است و عرض بیست و پنجم - و در آنجا بنو چالها و برفدائها بجهت سرکار والا ترتیب یافته و از اول اسفندار تا آخر مهر بنو و برف فراوان بدارالخلافة هذگام نزول موکب اقبال می رسد - از بنو چال تا دهمراس نام جانی که بر کنار دریای جون واقع ست و مسافت مابین

شافزده کروه و راهش دشوار گزار حمالان برف و یخ را بر پشت می آرند و از آنجا در صندوق انداخته بر بالای سیل راه دریای جون به دریا پور از مضافات پرگنه خضر آباد که از دهم اس نیز شافزده کروه مسافت دارن می‌سازند و از آنجا تا دار الخلافه در کشتی در سه شبانروز می‌رسد - چهاردهم ربیع الثانی خلیل الله خان با زمیندار سرسوز و برخی دیگر زمینداران اطراف دون که جلگانیست بیرون کوه سری فکر بدرازی بیست کروه و پهنائی پنچ که در طول یک سر آن بدریای جون پیوسته و دیگری بکنگ و در اطراف مواضع و محال آباد دارد رسیده نزدیک کیلا گده گلین فلعچه بطول صد و چهل ذراع و عرض صد و بیست بنیاد نهاده و در یک هفته صورت تمامیت داده شیر خواجه را با دو صد پیاده تفنگچی به تهاه داری آنجا معین ساخت - و بیست و دوم از آنجا راهی شده بیست و هفتم به بهادر پور که از محال متعلقه دون است و مابین دریای گنگ و جون واقع شده رسید - چون رعایای آن فواحی پناه بکوه و جنگل بوده رجوع نمی آوردند لشکر از اطراف به تذبیه آنها فرستاده مالش بسزا داد - و درین مکان نیز قلعچه بطول در صد و بیست ذراع و عرض صد و پنجاه برافراخته بهار فوحانی را با پانصد پیاده و تفنگچی بطریق تهاه گذاشت - نهم جمادی الاول از آنجا کوچ نموده دوازدهم نزدیک قصبه بسنت پور که آن نیز از مضافات دون است و در کمر کوه آباد و فراوان آب روان دارد فرود آمده مکانی قصبه مذکور محکمه بطول صد و سی گز و عرض صد و بیست بنا نموده سید بلوچ را با دو صد و پنجاه پیاده تفنگچی گذاشت - بیست و دوم به سهج پور که مکانی است مشتمل بر چشمها و نهرها و فراوان گل و سبزه آمده بر فراز تلی که دورش هزار ذراع است در ارتفاعش پانزده و در سوائف ایام قلعه و اثرش باقی بود قلعه موافق آن

مرتب ساخته محمد حسین تیراهی را به تهمانه داری تعیین نمود و در صد و پنجاه بندر قچی همراه داد - و چون بساحل گنگ که از آن عبور نموده بکوه در می آیند رسید جمعی از بندها با توپخانه پادشاهی عبور کرده تهمانه چاندی را که از توابع سری نگر است و خارج دین کیلا گده بتصرف در آوردند - درین اثنا بهادر چند سر زبان کامیون بفریغ طالع برآید خدمت گزار می آمده داخل لشکر شد - از آن رو که موسم یساق آن سرزمین و هنگام در آمد کوهستان گذشته بود و برسات نزدیک رسیده گرفتن آن متضمن هیچ مصلحت نبود و هوای آن مکان که بجز سکنه آنجا که از قبیل دیو و دد اذن بدیگری سازگار نیست و دین بتصرف در آمده به خلیل خان حکم شد که مهم کوه موقوف دارد و خدمت نگاهبانی دین به چتر بهوج چوهان موقوف شد - و دین که حاصل آن هنگام آبادی و معموری یک لک و پنجاه هزار روپیه می شد به شصت لک دام نظریه وطن در قبول او مقرر فرمودند - چون مزروعات دین بی سیر مواکب فیروزی شده بود و کشاورزان متفرق گشته مقرر گشت که تا یکسال بانصد سوار و هزار بیاده بندر قچی از سرکار والا بطریق کومک با وی باشد و ماهانه ده هزار روپیه که سالانه یک لک و بیست هزار روپیه باشد بجهت علوفه این جماعت نقد از خزانه عامره تنخواه نمایند - دوازدهم خلیل الله خان از دین آمده ناحرا شرف ملازمت مستاعد گردید - شانزدهم هر یکی از محمد بیگ و احمد آقامی رومی که از بصره برآید عبودیت آستانه کیوان مرتبت آمده بودند بخلعت و منصبی در خور نوازش یافتند \*

اکنون بتقریب ذکر بصره نختی از چگونگی حاکم آن بلده درین نامه مفاخرت ثبت می نماید - حسین پاشا راند علی که بحکومت بصره می پرداخت و در ظاهر اطاعت سلطان روم می نمود و محمد عم او

بتقریبی از وی رنجیده باستنبول رفت بداعیه آنکه برادرزاده را معزول گردانیده خود منصوب شود چون مطالبش در آنجا صورت پذیر نه گشت پیش ابشر باشلی حاسب که عزل و نصب حکام برخی بلاد روم با اختیار او بود رفته بدسالوکی برادرزاده ظاهر ساخت و استدعای اقطای نمود که محصول آن را صرف حوائج ضروری نماید - ابشر بحسین باشا فوشت که محلی از لواحق بصره بوی باز گزارد - بعد از آنکه به بصره آمد حسین باشا بر طبق نوشته ابشر کار بغداد شده محمد را بدلجوئی نزد خود نگهداشت - چون محمد با اتفاق برادر دیگر پا از اندازه بیرون گذاشته در بصره بی اعتدالی آغاز فهاک حسین باشا هر دو را بغداد نموده بر جهاز قرحقای سوداگر که از سورت رفته بود روانه همدورستان نمود - ایقان بلطایف الحیل بر کنار لکشا از جهاز بر آمده به بغداد پیش مرتضی باشا رفتند - و محمد از روی تزویر اتفاق حسین باشا بقزاقش و وفور خزانه او را نموده ظاهر ساخت که اگر حکومت بصره بمن تعلق گیرد و شما با جمعیت آمده او را از بصره بر آرند خزانه مذکور بشما عاید خواهد گشت - مرتضی باشا این قصه بقیصر نگاشتند دستوری گرفت که از بغداد به بصره رفته حسین باشا را بر آورد و بصره را به محمد سپارد - چون این عزیمت از قوه بفعل آورده نزدیک بصره رسید حسین باشا یزنگه خود یحیی را با فوجی به نبرد او فرستاد - یحیی چون دانست که با وی جمعیت بسیار است و تاب مقاومت ندارد راه مطاوعت سپرده باو پیوست - و حسین باشا از شنیدن این خبر سراسیمه گشته اعیال و اموال خود را به بهیمان که از مضافات شیراز است برده بقزاقش ملتجی گشت - مرتضی باشا بصره آمده هرچند تفحص و تجسس نمود خزانه که محمد نشان داده بود نیافت و این رهگزر او را با برادر و گروهی دیگر از هم گزارانید - پس از چندی



اعراب جزایر از بدسلوکی و ناعفنجاری مرتضی باشا بستوه آمده هنگامه  
آزای قتال گشتند و مرتضی شکست یافته، به بغداد شتافت و این مرثیه را  
به حسین باشا رسانیده \*

رضی دانش تخلص شاعر مشهدی که قصیده در مدح شاه سخا گستر  
بعرض رسانید بانعام دو هزار روپیه سر بر افراخت - این چند بیت از  
آن قصیده است - \* ابیات \*

سجود درگاه صاحبقران ثانی کن  
که این خطاب نمایان ز عالم بالا است  
بخوان بلند که تفسیر آیه کرم است  
خطی که در کف دست مبارکش پیدا ست  
جهان بوسعت دولت سرای جانش نیست  
بهر طرف که زند پر همای بخت فضا است  
ز رتبه سایه حق گفته اند شاهانرا  
زمین ببوس که این بادشاه نور خدا ست  
چراغ خانق بختست شعله تیغش  
بروز معرکه برق سیاهی اعداست  
سرش بشوکت گردون فرو نمی آید  
کسی که کرد درین بارگاه قامت راست  
باین بلند مکان عرض حال حاجت نیست  
دقیقه یاب نگاه و موزدان اداست  
بنور شعله ادراک در سیاهی شب  
سواد خوان خط جبهه معیبه نماست